

سطح سواد زبانی و ادبی

دانش‌آموختگان کشور

دکتر مریم دانشگر

عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی

را سرعت خواهد بخشید و چون مستقیماً با رشد مهارت‌های زبانی و ادبی کودکان، نوجوانان و جوانان ارتباط دارد، آسیب آن علاوه بر علوم انسانی و رشته زبان و ادبیات فارسی، تمامی تخصص‌ها را در بر خواهد گرفت. به همین سبب امروزه مسئله زبان فارسی، امری ملی محسوب می‌شود و رفع مشکلات آن عزمی جدی و فراگیر می‌طلبد.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

برای بررسی این امر و ریشه‌یابی مشکلات زبانی و نوشتاری جامعه جوان کشور اقدام به اجرای طرحی پژوهشی با عنوان «تحلیل آماری نمره زبان و ادبیات فارسی در کنکور سراسری ۹۰ تا ۹۲» کرده است. در این طرح به آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌ها، به‌عنوان مدخل ورود به تمامی میدان‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور توجه شده و برای بررسی سطح توانایی زبانی و ادبی دانش‌آموختگان کشور، تحلیل آماری نمره‌های زبان و ادبیات فارسی پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری انجام شده است.

جامعه آماری تحقیق منطبق بر نمونه آماری و معادل کل پذیرفته‌شدگان در آزمون سراسری سال‌های ۹۰، ۹۱ و ۹۲ برابر با ۱۷۱۹۴۵۷ نفر است. آمار و ارقام ارائه شده در این پژوهش، اطلاعات مربوط به نتایج آزمون سراسری پنج گروه آزمایشی در سه سال اخیر است که سازمان سنجش رسماً در اختیار فرهنگستان قرار داده است.

تحلیل نهایی طرح به زودی در اختیار نشریات قرار خواهد گرفت.

انگشت اتهام به سوی دبیران ادبیات و معلمان ابتدایی مدارس نشانه می‌رود.

نکته قابل توجه دیگر آن است که وظیفه تأمین معلمان ادبیات در همه سطوح - از پایه تا سطح عالی - به‌عهده دانشگاه‌های کشور است اما این پذیرش شرایط خاصی ندارد. بررسی نمره ادبیات پذیرفته‌شدگان کنکور در این رشته نشان می‌دهد که جز در مواردی، متأسفانه بسیاری از پذیرفته‌شدگان از سر ناچاری به این رشته روی آورده‌اند و علاقه و یا توانایی، ملاک انتخاب آنان نبوده است.

نمرات درس زبان و ادبیات فارسی مربوط به پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری در سه سال اخیر، نشان می‌دهد که میانگین نمره بخشی از آنان، کمتر از ۱ درصد و در برخی موارد منفی بوده است. یعنی فردی برای تحصیل وارد دانشگاه شده و قرار است با مدرک مثلاً «کاردانی آموزش و پرورش ابتدایی» یا «آموزش زبان و ادبیات فارسی» در آینده وارد بدنه آموزشی کشور شود و تعلیم فرزندان ایران را به‌عهده بگیرد، در حالی که خود قادر به پاسخ‌گویی صحیح یک پرسش در درس «زبان فارسی» و «ادبیات فارسی» نبوده است.

نتایج این مطالعه و نیز پژوهش‌های موجود دیگر، به شکل غیرقابل انکاری بیانگر آن است که آموزش زبان و ادبیات فارسی در مسیری سراسیب قرار گرفته است. اکنون پذیرش‌هایی این چنین، که به افرادی کم‌پنیه و بی‌بضاعت علمی و ادبی مجوز ورود به چرخ آموزش را صادر می‌کند، حرکت نزولی رشته زبان و ادبیات فارسی

سال‌هاست که معلمان و استادان از کاهش سطح سواد زبانی و ادبی دانش‌آموختگان کشور به‌ویژه هنگام خروج از نظام آموزش و پرورش و ورود به دانشگاه به‌عنوان دانشجو، گلایه می‌کنند. آنان معتقدند دانشجویان تازه‌وارد نوشتن صحیح را نیاموخته‌اند و قادر نیستند اندیشه‌هایشان را به‌راحتی و درستی بیان کنند. علاوه بر این برای درست خواندن، درست سخن گفتن، و درست شنیدن نیز آموزش مناسبی ندیده و مهارت لازم را کسب نکرده‌اند. ناتوانی در مهارت‌های چهارگانه، از نظر همگان مشکلی آموزشی به‌حساب می‌آید که ریشه‌های آن در آموزش‌های دوره ابتدایی و متوسطه است، مشکلی که اکنون به دانشگاه‌ها نیز سرایت کرده و سبب آسیب آموزش‌های تکمیلی در دوره‌های بعدی شده است.

همچنین با وجود آنکه توجه به رشد مهارت‌های زبانی، باید یک وظیفه همگانی در ساختار آموزشی به‌شمار آید اما باور عمومی این است که کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی در مدارس و دانشگاه‌ها، مسئول ارتقای سواد و مهارت‌های زبانی و ادبی هستند و ضعف و کاستی‌های موجود در مهارت‌های زبانی به‌ویژه مهارت‌های خواندن و نوشتن، برخاسته از ناتوانی این بخش از ساختار آموزشی است. به این ترتیب با وجود اینکه متون نوشتاری متنوع در سایر رشته‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها، نقش غیرمستقیم اما بسیار مؤثری در وضعیت سواد دانش‌آموزان دارند، رشته زبان و ادبیات فارسی هدف همه انتقادات قرار می‌گیرد و